

مهر

فراموش‌شده‌های تاریخ، کنیزان یازنان زرخید

● کتاب «زنان زرخید (بررسی وضعیت کنیزان در ایران از طاهریان تا مغول)» به‌تازگی به قلم فریبا کاظم‌نیا و به همت انتشارات تیسا منتشر شده است. این کتاب مشتمل بر پیشگفتار، مقدمه، چهار فصل، حاصل سخن، تصاویر و کتابنامه است و وضعیت کنیزان را در دوره طاهریان تا مغول در سه وجه اقتصادی، اجتماعی و فردی بررسی کرده است. دوره تاریخی این تحقیق از ابتدای قرن سوم، به‌قدرت‌رسیدن طاهریان در خراسان، تا ربع اول قرن هفتم، برافتادن خوارزمشاهیان، را شامل می‌شود. ازاین‌رو، برخلاف آنچه در سرشناسه اثر آمده است، در این کتاب به وضعیت کنیزان در دوره مغول/ ایلخانان اشاره‌ای نشده است. مؤلف در این اثر با وجود تاکید بر سرشت تاریخی پژوهش، خود را محدود به داده‌های مستخرج از منابع معتبر تاریخی نکرده و از منابع داستانی و حکایت و حتی «هزارویک‌شب» نیز بهره برده است. از این منظر می‌توان این پژوهش را گامی مؤثر در خوانش تاریخی منابع داستانی دانست؛ چنانکه بنا به ادعای مؤلف منابع تاریخی عمدتاً مذکرسالار، نخبه‌گرا و منحصر به وقایع سترگ تاریخی است و در این منابع از زندگی روزمره مردم عادی، فرودستان، پیشه‌وران، زنان و کودکان کمتر نشانی می‌توان یافت. داده‌های مستخرج از منابع تاریخی درباره زندگی روزمره چندان قلیل و انگشت‌شمار است که پایه و اساس پژوهشی تاریخی نمی‌تواند بود. اثر با تعریف مفاهیم آغاز شده است. شاید در ابتدا به نظر برسد که مفهوم برده و کنیز به تعریف مجدد نیازی ندارد و در اذهان مخاطبان فقط یک برداشت از این واژه‌ها می‌شود، اما نگاهی به منابع تاریخی، جغرافیای تاریخی، ادبی، اخلاقی و حتی داستانی از تعدد نام‌هایی حکایت دارد که برای نامیدن این گروه اجتماعی به کار می‌رفته است. ازاین‌رو، مؤلف در مقدمه کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد: «انسان‌هایی را که به انحاء مختلف به بازارهای برده‌فروشان راه می‌یافتند، چه باید نامید، برده یا بنده». مؤلف با اتکا به منابع، فراوانی هر دو واژه برده و بنده را در منابع متعدد بررسی کرده و آخر ادله خود را برای برگزیدن واژه «برده» به «بنده» بیان کرده است. نیز واژه‌های مترادف «کنیز» را در فارسی، عربی و ترکی بررسی کرده و نهانیا برای زبانی که خریدوفروش می‌شدند، واژه «کنیز» را برگزیده است. کتاب با پیشینه تاریخی موضوع، یعنی وضعیت کنیزان پیش از دوره مورد بحث، ادامه یافته است. به زعم مؤلف شرایط فرهنگی-اجتماعی ایران در قرون نخست اسلامی تلفیقی از فرهنگ برجای‌مانده از ایران باستان را فرهنگ مهاجران و مهاجمان به این منطقه جغرافیایی است. ازاین‌رو مؤلف افزون بر بررسی وضعیت کنیزان در ایران دوره باستان، وضعیت این گروه اجتماعی را نیز در میان اعراب دوره جاهلی و ترکان نیز بررسی کرده است.

راه‌های تحصیل کنیزان، مبادی ورود آنان به سرزمین ایران، قیمت، مالیات بر فروش و بازارهای فروش کنیزان ذیل فصلی با عنوان «کنیزان به‌مثابه کالا» بررسی شده است. مؤلف در این فصل از نظریه «اقتصاد نهادی» برای تبیین خرید و فروش، مالیات و نظام عرضه و تقاضا برای فروش کنیزان بهره برده و برای به‌دست‌دادن الگوی خرید و فروش و بهره‌گیری از خدمات کنیزان سه نهاد قدرت، سرمایه و خانواده را بررسی کرده و از خلال آن الگوی بهره‌کشی از کنیزان را به دست داده است. شاید بتوان مهمترین بخش اثر حاضر را در فصل سوم کتاب با عنوان «کنیزان و گروه‌های اجتماعی» دانست که به بررسی وضعیت کنیزان پس از فروش و استقرار در خانه مالک پرداخته است. در این فصل آموزش کنیزان، پیشه‌های آنان و نحوه بهره‌گیری از خدمات کنیزان در گروه‌های اجتماعی شهری و روستایی بررسی شده است. همچنین در این فصل رفتار مالکان با کنیزان، مشتمل بر تغییر نام کنیزان، شبیه‌های تربیت و تنبیه آنان و بهره‌کشی جنسی از آنان در قالب به فحشا وداشتن کنیزان، بررسی شده است. مؤلف در این فصل به تغییر نام کنیزان بیش از سایر مؤلفه‌ها پرداخته و به صورت مبسوط ارتباط نام کنیزان با پیشه‌ها و موقعیت آنان را بررسی کرده است. نیز در این فصل به جایگاه کنیزان در خانواده و بهره‌کشی جنسی از زنان به‌مثابه کالایی جنسی پرداخته شده است. «کنیزان؛ نگاهی از درون» عنوان فصل آخر از این اثر است که در خلال آن مؤلف کوشیده است فارغ از موقعیت اجتماعی مالکان کنیزان، به شخصیت حقوقی، حقیقی و اجتماعی کنیزان بپردازد و اثرات بردگی را در زندگی آنان بررسی کند. در این فصل مؤلف با استناد به داده‌های اندک مستخرج از منابع تاریخی یا داستانی سیر تغییر رفتار و موقعیت زنان از اسارت تا بردگی و پذیرش موقعیت فرودست به عنوان زنی برده را پی گرفته و عوامل مؤثر در تنبیت رفتار برده‌وار را در این زنان بررسی کرده است. اثر با حاصل سخن، کتابنامه و تصاویر پایان یافته است. تصاویر کتاب تلاشی برای بازنمایی‌دن وضعیت ظاهری کنیزان از خلال آت‌هایاست و جنبه تزئینی ندارد و در بخش‌هایی از اثر برای بازنمایی‌دن نحوه پوشش و آرایش کنیزان بدانها استناد شده است.

زنان زرخید
(بررسی وضعیت کنیزان در ایران ...)
فریبا کاظم‌نیا
ناشر: تیسا
قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

زنان زرخید

جان فاستر دالس و آلن دالس از مشهورترین و سستیزه‌چوترین شخصیت‌های جنگ سردند. آنها دو برادر بی‌همتای قدرتمند آمریکایی بودند که جریان‌های بسیاری به راه انداختند که جهان امروز را شکل داده است. درک اینکه آنها که بودند و چه کردند، کلید کشف ریشه‌های ناپیدای آشوب‌های بزرگ در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه و آلن دالس، رئیس سازمان سیا در زمان ریاست‌جمهوری آیزنهاور بودند. جان فاستر، به نوشته یک زندگی‌نامه‌نویس، «وزیر خارجه‌ای قدرتمند و سرسخت بود که هیچ دولتی که در آن زمان جزء جهانی بود که با حرارت «جهان آزاد» خوانده می‌شد، جرئت نمی‌کرد تصمیم بین‌المللی مهمی را بدون تأیید و موافقت وی بگیرد». زندگی‌نامه‌نویس دیگری برادر وی، آلن را «بهترین مأمور اطلاعاتی که تاکنون وجود داشته است» خواند. در سال ۱۹۵۳ با ریاست آلن دالس در سازمان سیا و برادرش در وزارت امور خارجه، رؤیاهای مداخله‌گران توانست به ثمر نشیند. آنها فهرستی تهیه کردند و آن را «شش هیولا» نامیدند که به عقیده‌شان باید سرنگون می‌شدند: محمد مصدق در ایران، ژاکوبو آربنز در گواتمالا، هوشی مینه در ویتنام، احمد سوکارنو در اندونزی، باتریش لومومبا در کنگو و فیدل کاسترو در کوبا.

استیون کینزر در کتاب «برادران: جان فاستر دالس، آلن دالس و جنگ جهانی پنهان آنها» که به‌تازگی به قلم شهریار خواجهیان و به همت انتشارات اختران به فارسی ترجمه و منتشر شده، سرگذشت بسیار جالبی به دست می‌دهد از برادران دالس که بیش از چهار دهه از شخصیت‌های محوری سیاست خارجی و فعالیت‌های اطلاعاتی آمریکا بودند. او تلاش این دو برادر را برای تغییر رژیم در این شش کشور با جزئیاتی مهیج شرح می‌دهد. کینزر، روزنامه‌نگار و نویسنده کتاب‌هایی مانند «همه مردان شاه»، «براندازی»، و «میوه تلخ» (درباره مداخلات خارجی آمریکا) و مدرس میهمان در انستیتوی مطالعات بین‌المللی واتسون در دانشگاه براون در رشته روابط بین‌الملل است. به گفته کینزر نوشتن کتابی درباره برادران دالس تا زمان حیات آنها ممکن نبود و فقط دیر زمانی پس از مرگ آنها بود که پیامدهای کامل اعمال‌شان آشکار شد. او سرگذشت این دو برادر را بر از درس‌هایی برای امروز می‌داند؛ از استثنایی‌پذیری آمریکاییان می‌گوید، دیدگاهی که بر آن است که ایالات متحده ذاتاً اخلاقی‌تر و آینده‌نگرتر از دیگر کشورهاست و ممکن است به‌گونه‌ای رفتار کند که دیگران نمی‌کنند. این داستان همچنین به این باور می‌پردازد که ایالات متحده به‌دلیل قدرت زیاد خود نه فقط می‌تواند دولت‌ها را سرنگون کند، بلکه همچنین می‌تواند مسیر تاریخ را نیز هدایت کند. برادران دالس به این باورهای پذیرفته‌شده دو فقره دیگر را نیز افزودند که در سال‌های متعددی در درونشان پرورده شده بود. یکی مسیحیت تبشیری بود که به مؤمنان می‌گوید آنها حقایق ابدی را می‌دانند و وظیفه دارند دورماندگان از روشنایی را به راه راست هدایت کنند. به موازات آن، این فرض وجود داشت که حفظ حقوق شرکت‌های بزرگ آمریکایی برای آزادی فعالیت در همه جهان برای همه خوب است. داستان برادران دالس داستان آمریکاست و بر آن است که تاریخ معاصر ایالات متحده و جهان را روشن و به توضیح آن کمک کند. با شهریار خواجهیان که پیش از این کتاب مشهور «همه مردان شاه» از استیون کینزر را نیز به فارسی برگردانده است، درباره رئوس کلی کتاب «برادران» گفت‌وگویی مکتوب کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

کا نقش برادران دالس در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و شکل‌گیری الگوی جنگ سرد چه بود؟

برادران دالس نقش مهمی در شکل‌گیری جنگ سرد و گسترش آن داشتند. پیش‌زمینه‌های آن هم از پایان جنگ جهانی دوم شکل گرفت؛ به این ترتیب که در ۱۹۴۷ و با اعلام دکترین ترومن در کمک به یونان برای جلوگیری از قدرت‌گیری کمونیست‌ها، قدرت‌نمایی حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات پارلمانی این کشور در ۱۹۴۸، شبه‌کودتای کمونیست‌ها در چکسلواکی و حقیقی‌ی توماس مازاریک از ریاست‌جمهوری در همان سال، پیروزی کمونیست‌ها به رهبری مائوتسه تونگ در جنگ داخلی چین در ۱۹۴۹، حمله کمونیست‌های کره‌ای مستقر در شمال به جنوب آن کشور و تسخیر آن و دخالت نظامی متعاقب آمریکا و سپس ورود چین به این جنگ برای جلوگیری از شکست کمونیست‌ها در شمال و سرانجام ملی‌شدن صنعت نفت ایران در سایه قدرت‌گیری البته مایلفه‌شده حزب کمونیست توده، زمینه‌های عینی شکل‌گیری جنگ سرد در آغاز دهه ۱۹۵۰ با نقش آفرینی برادران دالس بودند.

کا منظور از «جنگ جهانی پنهان» که در عنوان کتاب آمده است، چیست؟

«جنگ جهانی پنهان» اشاره به اقدامات اطلاعاتی-جاسوسی- عملیاتی دولت آمریکا به‌رهبری آلن دالس زیر پوشش دیپلماتیک برادر بزرگ‌ترش، جان فاستر دالس دارد. عملیات پنهانی در واقع کارزار برخورد با آن شش «هیولا»یی بود که برکناری‌شان را این برادران در دستور کار خود قرار داده بودند که البته در آخرین مورد، یعنی برکناری فیدل کاسترو، عملیات با شکست آشکار روبه‌رو شد و در نهایت به

اندیشه

گفت‌وگو با شهریار خواجهیان به‌بهانه ترجمه کتاب «برادران»

برادران برانداز و نقش آنها در کودتای ۲۸ مرداد



عکس: ر.توفان رستمی

هرچند سیاست‌های آنها به‌لحاظ اخلاقی و حقوقی اصلاً قابل دفاع نبود، اما چون درنهایت جواب داد و در زمان هم‌جزیی‌های آنها، یعنی تیم ریگان-بوش، به پیروزی آمریکا در جنگ سرد منجر شد، قابل توجه و مطالعه است. و این واقعیت تلخی است که برخی از شش کشور هدف آنان، یعنی کشور ما ایران و نیز کوبا همچنان با آن درگیرند.

البته نویسنده به «خود-استثناپذیری» آمریکایی اشاره دارد که مسیحیت تبشیری وجه ایدئولوژیک و حفظ و گسترش منافع شرکت‌های بزرگ آمریکایی پایه اقتصادی آن را تشکیل می‌دادند و کماکان می‌دهند. آنها، به‌گفته نویسنده، آزادی را عمدتاً آزادی عمل شرکت‌های آمریکایی در جهان می‌دانستند و به آزادی‌های لیبرالی اروپایی چندان پایبند نبودند. این پدیده خود-استثناپذیری آمریکایی که در بستر جهانی جنگ سرد شکل خشن‌تر و بی‌پرواتری پیدا کرد، به‌رغم پایان جنگ

سرد در اواخر قرن بیستم کماکان در صحنه سیاسی آمریکا، به‌ویژه در حزب جمهوری‌خواه و محافل راستگرای آمریکا سطره دارد و تجلیات آن را در همین روزها هم می‌بینیم. به‌نظر من وزیر خارجه کنونی آمریکا، مایک پمپئو که او نیز یک مسیحی تبشیری افراطی است، به اعتباری کپی برابر اصل جان فاستر دالس است و دیدگاه‌های سلطه‌طلبانه او را دنبال می‌کند.

کا دو برادر چه تأثیری در سرنوشت جنگ جهانی دوم و آلمان نازی داشتند؟

جان فاستر که تا آغاز جنگ، میانه خوبی با آلمان نازی، به‌ویژه وزیر اقتصاد آن، یالمار شاخت، داشت و حتا

به‌نوعی کمک‌کار مالی اقتصاد جنگی آلمان بود. اما آلن دالس به نازی‌ها بدگمان بود و در بحبوحه جنگ به سئوئیس رفت تا کار اطلاعاتی و جاسوسی علیه آلمان را سازمان دهد و در این کار هم تا اندازه زیادی موفق بود. به‌طورکلی می‌توان گفت که نقش برادر کوچک‌تر در جنگ جهانی دوم و مساعی متفقین بارزتر و تأثیرگذارتر بود و جان فاستر نقش چندان مثبتی نداشت.

کا نگاه ترومن و آیزنهاور به عملیات پنهانی در دیگر کشورها و توطئه علیه رهبران خارجی و تغییر رژیم متفاوت بود. تا چه حد می‌توان برادران دالس را بازاینکار اصلی سیاست خارجی آمریکا دانست؟

تردیدی نیست که این دو برادر نقشی مهم در سیاست خارجی آمریکا ایفا کردند، نه فقط در دهه ۱۹۵۰ که حتی پس از آن، درونشان‌شان در سیاست خارجی جنگ سردی آمریکا باقی ماند. امروزه حتا می‌توان گفت که با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی افکار و اعمال آنها نزد بسیاری از دست‌اندرکاران طیف راست سیاست آمریکا توجیه‌پذیر و درست می‌نماید. به گمانم یکی از دلایل اصلی خود نویسنده کتاب، کینزر، همین نکته بوده که



دو برادر آلن دالس، چپ، جان فاستر دالس، ۱۹۴۸

سیاسی این کشورهای هدف را بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که دو کشور آسیای خاوری-اندونزی و ویتنام تنها کشورهایی بودند که با وجود همه فرازونشیب‌های سیاسی ۵۰-۶۰ سال گذشته با موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی-دیپلماتیک قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو شدند.

کا کتاب چه اطلاعات تازه‌ای درباره تحولات سیاسی ایران در برهه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دارد؟

اطلاعات جدیدی افزون بر آنچه کمابیش می‌دانیم نمی‌دهد، اما از موضوعی گفته که پیش از این کمتر درباره آن می‌دانستیم. موضوعی که می‌شود گفت پیش‌زمینه کودتا و نگرش کینه‌جویانه و دشمنانه برادران دالس به مصدق و یارانش در مجلس بود. و آن طرح و برنامه شرکتی به نام OCI یا گروه مشاوران خارجی مرکب از یازده شرکت مهندسی بزرگ آمریکایی برای توسعه ایران بود. آلن دالس پیش از رسیدن به ریاست سیا در ۱۹۴۹ به ایران آمد و با شاه درباره این پیشنهاد دیدار کرد و حتی موافقت شاه را هم برای پرداخت ۶۵۰ میلیون دلار به شرکت در ازای انجام یک برنامه توسعه هفت‌ساله گرفت. اما مجلس شورای ملی در اواخر ۱۹۵۰ (اواخر ۱۳۲۸) با رهبری جبهه ملی و مصدق با این پیشنهاد مخالفت کرد و آن را طرح و نقشه دیگر قدرت‌ها و شرکت‌های خارجی برای غارت و تاراج ایران دانست و اعلام کرد که کار توسعه کشور باید به دست کارشناسان و مهندسان تحصیل‌کرده ایرانی انجام شود. این مخالفت مجلس ایران خشم در برادر و صاحبان شرکت‌های بزرگ دست‌اندرکار را برانگیخت و موجب شد که آنها مترصد زدن ضربه به مصدق و جبهه ملی شوند. پس از آنکه مصدق در بهار ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) نخست‌وزیر و هم‌زمان صنعت نفت ایران ملی شد، برادران دالس که دفتر حقوقی‌شان سایروان و کرامول، وکیل شرکت نفت ایران و انگلیس بود، کمر به سرنگونی و برکناری مصدق بستند و در تابستان ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) آن را عملی کردند.

کا کینزر در مقدمه ذکر می‌کند ممکن است برادران این باور بوده باشند که کشورهایی که در آنها دخالت می‌کند به سرعت ثبات، رفه و آزاد خواهند شد. آیا می‌توان اقدامات این دو برادر را در راستای نگاهی «اخلاقی» دانست و نه جنگ قدرت واقعی؟

در اینکه برادران دالس به ویژه برادر بزرگ‌تر، جان فاستر، اخلاقیات پرسپتیر-تبشیری غلیظی داشت، تردیدی نیست. اما واقعیت این بود که اخلاقیات پوشش توجیه‌گرانه‌ای برای سیاست‌های تهاجمی و مداخله‌جویانه آنان در جهان سوم بود؛ جهان سومی که تازه از بند استعمار اروپایی رسته بود و درحال یافتن جایگاه واقعی خود در نظم پساجنگی جامعه بین‌المللی بود. اگر نگاهی به سرنوشت کشورهای بیندازیم که مورد دست‌اندازی و تهاجم پیروزمند آنها قرار گرفتند (ایران، گواتمالا، کنگو)، می‌بینیم که به‌رغم همه انتظارات و تبلیغات آمریکایی‌ها نه به رفاه و نه به آزادی رسیدند.

کا کتاب برادران به‌خصوص برای آنهایی که چشم امید به آمریکا برای ایجاد تحول و دموکراسی در منطقه دارند، چه نکته‌ای برای آموختن دارد؟

به نظر من، جهان کنونی با جهان دوران جنگ سرد تفاوت کرده است. و اکنون نمی‌توان با عینک جنگ سردی به تماشا و تحلیل جهان کنونی نشست. دیگر مفهومی به نام «جهان آزاد» به رهبری آمریکا وجود ندارد. این تردیدی نیست که بدون داشتن رابطه عادی با همه کشورهای جهان، ازجمله آمریکا، نمی‌توان به توسعه اقتصادی-اجتماعی، آزادی و عدالت رسید. ضمن اینکه صرف رابطه با دموکراسی‌های پیشرفته، آزادی و پیشرفت اجتماعی-اقتصادی به بار نمی‌آورد، چراکه رسیدن به این اهداف محصول اراده سیاسی رهبران است. خواست اجتماعی اکثریت مردم آن کشور است. برای نمونه ویتنام که رهبر و بنیان‌گذار دولت کنونی آن، هوشی مینه، یکی از آن شش «هیولا»ی مورد نفرت دو برادر بود، خود گواهی بر درستی این گزاره است. می‌بینیم که ویتنام ضمن حفظ استقلال خود و بزرگداشت هرساله پیروزی در جنگ با آمریکا، روابط اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای با آمریکا دارد، شعارهای ضدآمریکایی سر نمی‌دهد و توسعه اقتصادی-اجتماعی و رفاه مردم خود را در اولویت قرار داده است.

کا در پایان از کارهای تازه و در دست انتشارتان بگوئید.

یک کتاب پیش از کتاب برادران را به پیشنهاد انتشارات ققنوس به نام «آیا چین بر قرن بیست‌ویکم سطره خواهد یافت؟» ترجمه کردم که همین اواخر منتشر شد. ضمن اینکه کتابی دیگر را نیز با همین انتشارات کار کرده‌ام به نام «چرنوبیل» که امیدوارم در اواخر سال ۱۳۹۹ یا اوایل ۱۴۰۰ منتشر شود. کتاب دیگری هم به نام «از روداری تا خودکامی» را با نشر آشیان کار کرده‌ام که در حال انجام امور فنی و... آن هستم و امیدوارم که آن نیز در اوایل سال آینده منتشر شود. اما در این میان کتاب سومی هم به‌نام «با ایران چه‌ها که نکردند!» هست که روی آن بیش از هر سه کتاب بالا کار کردم و متأسفانه با ناشر آن به مشکل برخورد‌دم. شرح آن را در نامه‌ای جداگانه داده‌ام که امیدوارم همین روزها در صفحات روزنامه «شرق» منتشر شود.

گفته‌ها

اهمیت ابن سینا در تاریخ فلسفه اسلامی

● چندی پیش مرکز فرهنگی شهر کتاب به‌مناسبت روز پزشک و بزرگداشت ابن سینا همایش «اندیشیدن با ابن‌سینا» را برگزار کرد که استادان و صاحب‌نظران مختلفی با گفتار و نوشته‌های خود در این همایش مجازی شرکت کردند. آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از سخنرانی حسین معصومی‌همدانی در این همایش است. ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه‍. ق) در دوره مهمی از تاریخ ایران و اسلام زندگی می‌کرده است. در اهمیت این دوران ازلحاظ علمی و فلسفی همین بس که هر سه چهره بزرگ عالم اسلام، ابوحنان بیرونی، ابن‌سینا، ابن‌هشیم، در این دوره زندگی می‌کرده‌اند. ابن‌سینا زندگی بسیار کوتاهی داشت. ما ابن‌سینا را بیشتر فردی خودآموخته می‌شناسیم و اطلاعاتمان درباره اساتید او بسیار کم است؛ پس، نمی‌توانیم جایگاه او را با توجه به استاندانش داوری کنیم. خود او در ایجاد این تصویر خیلی مؤثر بوده است، چون در رساله‌ها و آثار خود کمتر از اساتیدش نام برده است. آثار فلسفی ابن‌سینا بسیار وسیع است. فقط «شفا»ی چاپ قاهره او ده جلد است. سبک نویسندگی ابن‌سینا متفاوت است. آثار یی مانند «الاشارات و التنبیهات» بسیار اندیشیده شده‌اند، آثاری مانند «نجات» بسیار ساده و نسبتاً خلاصه‌اند و برای استفاده گروه وسیع‌تری از مردم نوشته شده‌اند و شماری از آثار عظیم او فقط به نیت استفاده فیلسوفان نوشته شده‌اند؛ مانند «شفا». رساله‌های بسیار زیادی نیز به ابن‌سینا نسبت داده شده است که در صحت انتساب برخی از آنها تردید وجود دارد. تعیین صحت انتساب این آثار کار بسیار دشوار و درعین حال، مقدماتی برای تعیین جایگاه ابن‌سینا است. همه آموزش فلسفی و پزشکی ابن‌سینا در نواحی شرقی ایران تاریخی بوده است، بنابراین با اتفاقات سایر مناطق تماس غیرمستقیم داشته است. درنهایت، درباره جایگاه او می‌توان گفت که او به جریان ارسطویی تعلق دارد و در مسائل، سبک کار، پاسخ به مسائل فلسفی، بیش از هر کسی در میان فیلسوفان مسلمان، خودش را دنباله‌روی فارابی می‌داند. البته، در اینجا مفهوم ارسطویی‌بودن خیلی روشن نیست. چراکه آموزش ارسطو از دوران متأخر یونانی‌ها آموزش‌های نوافلاطونی توام شده بود. گرچه ابن‌سینا وارث جریان نوافلاطونی تفسیر ارسطو است، برعکس غالب فیلسوفان بزرگ پیش از خودش مفسر ارسطو نیست و تقریباً همه آثار او تلاشی حول آثار ارسطو و مفسران او و حتی نقد آنها است. البته، دنبال‌کردن این وجه ابن‌سینا بسیار سخت است. چراکه خیلی اوقات او سخنی را نقد می‌کند، اما از آن فرد نام نمی‌برد. افزون بر آنکه ابن‌سینا خودش را شارح ارسطو نمی‌داند، مخالف کسانی است که کار فلسفه را فقط شرح ارسطو می‌دانستند. یکی از موضوع‌های اصلی فلسفه ابن‌سینا این است که می‌کوشید در سیستم فلسفی خودش جایی برای نبوت باز کند. او باور داشت که دیگران این کار را با جدیت دنبال نکرده‌اند و با کارهایشان موافق نبود. یکی از نکات مهم درباره سرگذشت ابن‌سینا این است که ما بعضی از شاگردان او مانند بهمنیار و ابوعبدالله معصومی را می‌شناسیم. این شاگردان لاتدریج بعدها به ابن‌سینا را رواج دادند. ما فارابی را شخصیت بزرگی می‌دانیم. اما نمی‌دانیم اگر بعد از او ابن‌سینیایی نبود، از فارابی در مقام فیلسوف چه باقی می‌ماند. درواقع، این ابن‌سینا نبود که آثار موجز فارابی را به شکل سیستماتیک درآورد تا قابلیت تدریس داشته باشد و از اینجا، کمک‌مفهوم فلسفه‌فلسفه‌اش پیدا می‌شود، نه فلسفه اسلامی. پیش‌ازاین، فلسفه مسلمان وجود داشتند، اما فلسفه‌شان رنگ خاص اسلامی نداشت. چراکه اینها یک گروه اجتماعی بودند که به عمده مذاهب آن زمان تعلق داشتند و فلسفه‌شان به‌طور سیستماتیک به مسائل خاص نمی‌پرداخت. کمی بعد از مرگ ابن‌سینا، شاگردان او فعالیت فلسفی وسیعی را (عمدتاً در شرق و مرکز ایران) شروع کردند. از این میان کسانی مانند بهمنیار و بعد از او لوکری آثار ابن‌سینا را با زبانی سهل‌الوصول‌تر نوشتند. چنان‌که در منطقه شرق ایران در منطقه بیهقی بنا به شهادت کتاب‌های تاریخ فلسفه، به‌خصوص «تاریخ حکمای اسلام» ابوالحسن بیهقی از عده زاید اسم برده می‌شود، که متخصص فلسفه ابن‌سینا بوده‌اند. بدین ترتیب، ابن‌سینا شاید اولین کسی باشد که مکتبی فلسفی تأسیس می‌کند که در آن رابطه شاگرد- اسادی پیدا می‌شود و می‌توانیم در جریان‌های فلسفی رابطه استاد- شاگردی را تا خود ابن‌سینا یا شاگردان او دنبال کنیم. بیهقی صراحتاً بیان می‌کند که لوکری در انتشار فلسفه ابن‌سینا در خراسان بسیار مؤثر بود. جریان آکادمیک به‌معنای تلامتی با قابلیت آموزش و ایجاد مکتب، از ابن‌سینا آغاز شده است. این مکتب بعدها با ترجمه «شفا» در سرنوشت قرون‌وسطی خیلی مؤثر واقع شد. این تحریر سیستماتیک در احیای فلسفه قرون‌وسطی و مسیحی و طرح پرسش‌های جدید در فلسفه آن زمان خیلی مؤثر بود. می‌توان گفت که ابن‌سینا و ابن‌رشد از طریق ترجمه آثارشان به لاتینی یا عبری در تحول فلسفی اروپا بسیار مؤثر بودند. اهمیت این امر بدان لحاظ است که امروز آن جبرانی که از قدیم در تاریخ فلسفه گمان می‌کرد، یک فلسفه قدیم داریم و دکارت به‌کلی فلسفه جدیدی می‌آورد، خیلی موردتردید قرار گرفته است و بسیاری از مورخان فلسفی به‌نوعی پیوستگی میان فلسفه جدید و فلسفه قرون‌وسطی قائل‌اند و باور دارند، آنچه به‌عنوان فلسفه مسیحی معروف است، در واقع یک عنصر بسیار قوی ابن‌سینیایی و ابن‌رشدی دارد، چه از لحاظ تأثیر این دو، چه پاسخ‌گویی و نقد این دو.